



خوب، بد، زشتِ سفرهای گروهی

# سفر فقط شلوارک، دمپایی و خور و خواب نیست

**آیدین عالمیان**
امروزه آدم‌ها روش‌های متنوعی برای سفر انتخاب می‌کنند. برخی دوست دارند به تنهایی یا فقط همراه با خانواده خودشان به سفر بروند و کسی دیگر آنها را در سفر همراهی نکند. برخی دوست دارند با تورها و در جمع افراد زیادی که آشنا یا غریبه‌اند به مسافرت بروند. این افراد هم دو دسته‌اند: آدم‌هایی که خانوادگی به سفرهای این شکلی می‌روند و دسته دیگری که همراه با دوستان و آشنایان در تورهای مسافرتی ثبت نام می‌کنند. اما هنوز در بین ما آدم‌هایی هستند که می‌خواهند به صورت پیکی – چند خانواده کنار هم با هزینه مشترک – به سفر بروند. مخصوصا سفرهای جاده‌ای که در آن دو یا سه یا چهار خودرو کنار هم به مسافرت می‌روند. تجربه‌ای که از قدیم در سنت زندگی ایرانی‌ها وجود داشته و اگر چه می‌کنند، اما هنوز در بین ما آدم‌هایی هستند که هم با هزینه مشترک – به سفر بروند. مخصوصا سفرهای جاده‌ای که در آن دو یا سه یا چهار خودرو کنار هم به مسافرت می‌روند. تجربه‌ای که از قدیم در سنت زندگی ایرانی‌ها وجود داشته و اگر چه می‌خواهند به صورت پیکی – چند خانواده کنار هم با هزینه مشترک – به سفر بروند. مخصوصا سفرهای جاده‌ای که در آن دو یا سه یا چهار خودرو کنار هم به مسافرت می‌روند. تجربه‌ای که از قدیم در سنت زندگی ایرانی‌ها وجود دارد و همه ما چه در گذشته و چه در حال این نوع سفرها را امتحان کرده‌ایم. برخی از ما خاطرات بسیار خوب و برخی خاطرات نه چندان شیرینی از این سفرها داریم. اما به راستی تلخ و شیرین این نوع سفرها چیست؟ ملزومات سفرهای پیکی خانوادگی چیست؟ چه کنیم در این سفرها به ما بیشتر خوش بگذرد و یا حواشی کمتری همراه باشد؟

**چقدر می‌توانم با پسندهای همسفرهایم کنار بیایم؟**

وقتی ما در جمع چند نفرهای به سفر می‌رویم آرام آرام آن حالت‌های اتوکشیده افراد کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. از قدیم گفته‌اند اگر می‌خواهی کسی را بشناسی با او به سفر برو، چراکه شرایط سفر به گونه‌ای است که شخصیت واقعی آدم‌ها به مرور لو می‌رود و آنها خود واقعی‌شان را در مواجهه با شرایط مختلف و متنوع نشان می‌دهند. برخلاف یک مهمانی کنترل شده یکی دو ساعته که تقریباً همه متغیرها در آن مهار شده‌اند سفر یعنی مواجهه با متغیرهای گوناگون پیش‌بینی نشده، بنابراین افراد در این نوع سفر در غرنالی قرار می‌گیرند و شخصیت و منش آنها بهتر محک می‌خورد، بنابراین وقتی با یک جمع به مسافرت می‌روی این انتظار است که آنها همان چهره و قیافه‌ای را داشته باشند که مثلاً در مهمانی‌ها یا تماشای کوه‌اها دارند پهبوده خواهد بود. در واقع اگر من می‌خواهم به یک سفر پیکی و فامیلی یا دوستانه قدم بگذارم خود را باید آماده مواجهه با طرز فکرها و الگوهای متنوع رفتاری کنم، بنابراین اگر من دوست دارم که همه یکدست رفتار کنند، بهتر است که به اینگونه سفرها نرمم. اگر دوست دارم همه همان درجه‌های انتاکی که من دوست دارم انتخاب کنند بهتر است از خیر این نوع سفر بگذرم. چون در این سفر افرادی با شرایط سنی و جنسیتی متنوعی کنار من خواهند بود

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

وقتی سلفی جای سفر را می‌گیرد

## آلبوم خانوادگی تان را

## لطفاً دیگر با کریم آقا بقال به اشتراک نگذارید!

می‌شوند که نگو و نپرس. چنان ادای زن و شوهرهای خوشبخت دائم‌السفر را درمی‌آورند که حتی پدر و مادرهایشان هم که مثل کف دست می‌شناسندشان، غیبه خوشبختی این زوج‌های شبه اساطیری را می‌خورند!

**چهار**: سفر در روز گار ما تبدیل به ماده اولیه، وسطیه و آخریه اینستاگرام شده و هر که بتواند بیشتر به آلبوم خانوادگی‌اش چوب حراج بزند احساس می‌کند نبرد لنینگراد را برده است. قدیم‌ترها این طور بود که طرف آلبوم عکس‌های خانوادگی‌اش را حتی امکان با بقال محله‌شان به اشتراک نمی‌گذاشت یعنی مثلاً شب که طرف می‌رفت از سوپری محل، نوشابه کانادا درآی بخرد به خنومش می‌گفت خانوم! اون



نظر من کمترین کاری که

دولت گرجستان می‌تواند در حق این هموطن انجام دهد اعطای یک دستکاری افتخاری دو تونه به این هموطن است. فکر نکنید دارم اغراق می‌کنم. به بیسکویت گرمی قسم او از جاهایی از گرجستان عکس منتشر می‌کند که خود گرچی‌ها هم دقیقاً جایش را نمی‌دانند و توریلدرها انگشت به دهان می‌مانند که این‌جا دقیقاً کجای گرجستان است!

سه: عده‌ای از زوج‌ها هم هستند که همه ما می‌دانیم تقریباً یک قرن می‌شود دچار طلاق عاطفی و از این داستان‌ها شده‌اند و سایه همدیگر را آسنا تیر می‌زنند آسا همین‌ها وقتش می‌آیند اینستاگرام، ناگهان رومئوزولیت‌های دلداده‌ای



یکی از مهم‌ترین ملزومات سفرهای پیکی و گروهی، گذشتن از تعارف و رودربایستی و ایجاد صندوق مشترک هزینه‌ها در همان ابتدای سفر است. پس اگر می‌خواهید به شما خوش بگذرد و کسی احساس زبان نکند، از همان ابتدای سفر مبلغی را به عنوان صندوق سفر کنار بگذارید و کسی را از میان خودتان که دقیق‌تر و منضبط‌تر است به عنوان مسئول صندوق انتخاب کنید. مبلغی که به صندوق اختصاص می‌دهید نه باید خیلی کم و نه باید خیلی زیاد باشد



بازی‌ها یکی از مفرح‌ترین بخش سفرهای گروهی هستند. ضرورتی ندارد که همه اعضا در یک بازی خاص مشارکت کنند بنابراین بچه‌هایی می‌توانند بازی خودشان را دنبال کنند و بزرگسالان در بازی دیگری شرکت کنند اما همین که وقت‌های قابل توجهی از سفر به بازی‌های مفرح بگذرد کشید، به شرط اینکه همه بازی را به چشم بازی ببینند و آن قدر جدی نشوند که کار دوباره به حاشیه کشیده شود

**حسن خوب حمایت راننده‌ها در جاده**

اگر سفر گروهی شما با وسایل حمل و نقل عمومی صورت می‌گیرد یعنی شما با اتوبوس یا قطار یا هواپیما مسافرت می‌کنید این نوع سفر شما مزیت‌ها و معایبی خواهد داشت. مزیت اینگونه سفرها این است که شما نگران جای پسم بزین‌ها، پنچری و خرابی ماشین، عقب و جلو افتادن خودروها و نظایر آن نخواهید بود اما البته همین وسایل هم حواشی خود را خواهند داشت مثل تأخیر پرواز یا محدودیت‌های دیگر. فی‌المثل اگر شما بچه کوچک دارید و با اتوبوس به مسافرت می‌روید دیگر دست خودتان نیست که اتوبوس را در هر نقطه‌ای متوقف کنید یا اینکه مثلاً از یک جایی خوستان آمد به اتوبوس بگویید نگه دار. خوبی مسافرت‌های گروهی با خودروهای شخصی در این است که کنترل مسیر سفر عملاً با خودتان نیست اگر چه محدودیت‌هایی در این باره وجود دارد، مثلاً یکی از راننده‌ها دید در شب خوبی ندارد و نمی‌تواند شب رانندگی کند یا فرض کنید عقب و جلو افتادن خودروها که می‌تواند مرکز تنش و درگیری شود، بنابراین بهتر است موقع سفر همه این موارد بررسی شود تا با چالش کمتری مواجه شوند. مثلاً اگر راننده‌های مهارت کمتری دارد از طرف اعضا با بیشترین حمایت مواجه شود بدون آن که قصد به رخ کشیدن مهارت رانندگی خود را داشته باشند. فرض کنید اگر او عادت ندارد که با سرعت زیادی رانندگی کند کمی زودتر از اعضا راه بیفتد یا نه اعضا موافقت کنند که سرعت خودروهایشان را پایین‌تر بیاورند. در هر صورت سفرهای گروهی اگر حس خوب حمایت گروه را نداشته‌اند باید به تدریج اعضا را وارد حاشیه خواهد کرد. اعضایی حس حامیانه را باید به همدیگر بدهند که اگر کسی جلوتر حرکت می‌کند حواشی به دیگران است. اگر چه امروز با وجود ضریب نفوذ بالای تلخین همراه کنترل کردن‌های این شکلی بسیار راحت‌تر از گذشته شده است و افراد با یک تماس می‌توانند از مکان همدیگر مطلع شوند.

**بازی دسته جمعی، مفرح‌ترین بخش سفرهای گروهی**
تجربه نگارنده نشان داده بازی‌های یکی از مفرح‌ترین بخش سفرهای گروهی هستند. ضرورتی ندارد که همه اعضا در یک بازی خاص مشارکت کنند بنابراین بچه‌هایی می‌توانند بازی خودشان را دنبال کنند و بزرگسالان در بازی دیگری شرکت کنند اما همین که وقت‌های قابل توجهی از سفر به بازی‌های مفرح بگذرد خستگی را از تن شما بیرون خواهد کشید، به شرط اینکه همه بازی را به چشم بازی ببینند و آن قدر جدی نشوند که کار دوباره به حاشیه کشیده شود. بنابراین بهتر است قبل از سفر درباره وسیله‌های بازی هم تصمیمی گرفته شود و همه چیز به دقیقه ۹۰ سپرده نشود چون تجربه نشان داده که معمولاً تهیه وسایل ورزشی و بازی در سفر با دو چالش گران بودن و استاندارد نبودن همراه است، بنابراین اگر مثلاًاهل بازی دمیتهون هستید بهتر است که راکت‌های خودتان را از خانه بردارید تا اینکه مجبور باشید در سفر راکت‌هایی با کیفیت پایین تهیه کنید یا از خرید بازی مفرح بگذرید.

از سفرها یمان کلیشه‌ز دایی کنیم

## سفرهای عرضی به جای سفرهای طولی

**محمد مهر**

بعضی از ما دوست داریم همیشه در طول سفر کنیم. عاشق سفر در طول هستیم و هیچ اعتنایی به سفرهای عرضی نداریم. اجازه بدهید همین ابتدای کار منظوم را از سفرهای طولی و عرضی بیان کنم. منظور از سفر طولی این است که مثلاً شما بروید شمال و در جاده نوار شمالی سفرتان را آغاز کنید و در همان نوار ساحلی سفرتان را تمام کنید، یعنی مثلاً از تهران راه بیفتید و بروید بومهن و رودهن و جاده هراز را بروید تا آمل و بعد هم نوار ساحلی و نور و نوشهر و چالوس و احتمالاً نمک‌آبرود و نهایت ابتکار و خلاقیتی که به خرج می‌دهید این باشد که این بار از جاده چالوس برگردید پایین و کرج و دوباره برسد به تهران. احتمالاً شما برای هزارمین بار در این سفر سوار تله‌کابین شده‌اید و در سواحل تکراری هم برای هزارمین بار تنی به آب زده‌اید، اما همه جاهای دنیا و از جمله همین مسیری که شما رفتید یا به غیر از طول، بعد دیگری به نام عرض دارد که اتفاقاً زیبایی‌هایش زمانی آشکار می‌شود که شما دست از سر سفرهای طولی بردارید. حالا تعریف سفر عرضی هم این روشن می‌شود. سفر عرضی یعنی کسی که به عمق سفر احساس نیاز بیشتری می‌کند. کسی که از سفر چیزی فراتر از فست فودهای کنار جاده‌های نوار ساحلی می‌خواهد و می‌خواهد غذاهای محلی را هم امتحان کند. اقامت در خانه‌های روستایی را هم بیازماید. ابزارها و دریاچه‌هایی که در عمق جنگل‌ها وجود دارد را ببیند. شاید ۹۰ درصد یا بیشتر آدم‌ها یعنی همان کسانی که تا به یک تعطیلات می‌خورند انبشان را زین می‌کنند و به شمال می‌روند، از شمال چیزی جز از مژدن آزومندی‌هایش نمی‌خواهند. تصور ما این است که شمال یعنی ماسوله و قلعه رودخان و نمک‌آبرود، اما مثلاً کسی که از شهر رویسان در فاصله میان نور و نوشهر به عمق جنگل می‌زند و مسیر آبشار آب پری را جلو می‌رود و به جاده مسافت‌های نزدیک‌تر هم به عمق بیشتری از احساس رضایت و لذت رسید. از طرف دیگر اگر کسی از سفر به دنبال آرامش می‌گردد که ظاهراً مسلمان طورا است و همه آدم‌ها به سفر می‌روند که برای چند روز از جریان روزمره و برهنگاهای زندگی دور بشوند و به آرامش برسند احتمالاً تصدیق می‌کنند که این کسب آرامش نه در سفرهای طولی – جایی که با هجوم و تراکم بسیاری از آدم‌ها مواجه است – بلکه در سفر به عمق سفر امکان‌پذیر است.



مدیریت زمان یکی از مهارت‌هایی است که در سفرهای گروهی باید مورد توجه قرار گیرد. بدترین کار این است که برنامهریزی سفرتان لحظه‌ای و آنی و فی‌البداهه باشد. تجربه نشان داده اینگونه تصمیمات مرکز و کانون تنش و جدال خواهد بود چون تصمیمات پخته و چکش‌کاری شده نیستند